

اقدامات امسلمه در حمایت و دفاع از اهل بیت علیهم السلام

مهدی رضوانی مجد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

ابراهیم رضایی کلیری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

چکیده

امسلمه یکی از شخصیت‌های ممتاز تاریخ اسلام است که در طول زندگی در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سال‌های پس از رحلت آن حضرت در وقایع مختلف نقش آفرینی داشته است. حضور او در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله در فهم مواضع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موضوعات مختلف بسیار حائز اهمیت است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها موضع‌گیری او نسبت به اهل بیت علیهم السلام و پشتیبانی از آن‌هاست. پژوهش پیش رو تلاش دارد پس از تبیین شخصیت والای امسلمه، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی اقدامات و مواضع ایشان در دفاع از اهل بیت علیهم السلام را کاوش کند تا مسلمانان او را به عنوان الگوی خود قرار داده و وظایفشان را نسبت به اهل بیت علیهم السلام انجام دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد امسلمه هم در زمان حیات و هم پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند سقیفه، جنگ جمل و واقعه عاشورا همواره مواضع و اقدامات مثبتی نسبت به اهل بیت آن حضرت داشته است. متقولات امسلمه نیز مملو از بیان فضائل و مناقب و تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام است.

واژگان کلیدی: امسلمه، اهل بیت علیهم السلام، امام علی علیه السلام، اقدامات، دفاع

۱. دانش پژوه سطح ۲ مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام. bezirdastan0012@gmail.com
۲. دانش آموخته سطح ۳ مذاهب اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام. e.r181359@gmail.com

مقدمه

توجه به زندگی بزرگان دین و بررسی نقش آنان در طول حیاتشان همواره مورد توجه بوده است. ام سلمه بعد از حضرت خدیجه علیها السلام یکی از با فضیلت‌ترین همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ تا آنجا که همیشه مورد لطف و عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام قرار داشت. از این بانوی بزرگ در طول زندگی تا سال ۶۴ هجری نقش‌آفرینی و مواضع مهمی در تاریخ اسلام نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به ثبت رسیده است؛ پذیرش اسلام و رها کردن شرک و بت‌پرستی، هجرت به حبشه، هجرت به مدینه، ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله، همراهی کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخی غزوات، حضور در صلح حدیبیه و فتح مکه از مهم‌ترین وقایع زندگانی او در زمان حیات رسول خداست. او در این دوران دچار سختی و مرارت‌های فراوان شد، ولی همه را با جان و دل پذیرا شد. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز تمام وقایع مهم تاریخ اسلام مانند سقیفه، جنگ جمل و واقعه عاشورا را درک کرد و در این وقایع حضور مؤثری داشت. مجموعه ویژگی‌های این شخصیت و مشاهده وقایع توسط او باعث می‌شود تا بررسی زندگی و تبیین دیدگاه‌ها و اقدامات او از جایگاه مهمی برخوردار شود و زمینه‌های الگو قرار دادن او برای جامعه امروز فراهم گردد.

پژوهش پیش رو در تلاش است تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، اقدامات ام سلمه در دفاع از اهل بیت علیهم السلام و تبیین جایگاه آنان را تا سال ۶۴ هجری مورد واکاوی قرار دهد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به جایگاه ویژه همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اسلام، پژوهشگران پیوسته پیرامون شخصیت و شاخصه‌های زندگی آنان مطالب فراوانی به رشته تحریر درآورده‌اند. در این میان با توجه به شخصیت ویژه ام‌المؤمنین، ام سلمه و نقش خاص او در تاریخ اسلام، درباره ایشان نیز تألیفات فراوانی نگاشته شده است. با جست‌وجوی انجام شده درباره موضوع پژوهش پیش رو، تحقیق مستقلی انجام نشده است. نزدیک‌ترین پژوهش به این موضوع، مقاله‌ای با نام «ام‌المؤمنین، ام سلمه

مدافع اهل بیت علیهم السلام، اثر فهیمه فهیمی نژاد، منتشر شده در نشریه شماره ۱۵ بانوان شیعه در سال ۱۳۸۷ ه.ش می باشد که افزون بر پایین بودن سطح علمی آن، موجز و خلاصه بودن موضوع مورد بحث، طرح مطالب بیگانه از موضوع، مانند جایگاه زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی و علل تعدد ازدواج، در مستند کردن مطالب بیان شده، فقط به منابع شیعه استناد کرده است؛ در حالی که مطالب فراوانی پیرامون ام سلمه در کتب اهل سنت وجود دارد.

افزون بر این، پایان نامه ای با نام «نقش ام سلمه رضی الله عنها در تاریخ اسلام»، مرضیه محمدزاده، منتشر شده در سال ۱۳۷۷ ه.ش و کتاب «سیره ام المؤمنین، ام سلمه رضی الله عنها و جهود الدعویة»، تألیف حصه بنت عبدالکریم الزید، منتشر شده توسط مکتبه العیکان الریاض در سال ۱۴۲۱ ه.ق، اگرچه برخی از مطالب موضوع پیش رو را ذکر کرده اند، اما از تحلیل های پژوهش حاضر و ترتیب خاصی که در آن به کار رفته، بی بهره اند و علاوه بر آن، پژوهش دوم تنها به دوران حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته است.

۲. شناخت نامه ام المؤمنین، ام سلمه

یکی از شاخص ترین همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ام المؤمنین، ام سلمه است. نام او هند بود و پدرش ابی امیه بن مغیره از قبیله مخزوم به زائد الرکب معروف بود. این لقب از آن رو به او اطلاق شد که بسیار اهل بخشش بود؛ تا آنجا که تمام هزینه های همسفرانش را می پرداخت. (قرطبی، ۱۴۱۲ق: ۴/۱۹۲۱)

ام سلمه قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همسر ابوسلمه عبدالله بن عبدالاسد مخزومی بود و هر دو از اولین شخصیت هایی بودند که اسلام آورده و به حبشه و پس از آن به مدینه هجرت کردند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱ق: ۷/۲۷۶) در کتب انساب و رجال، حاصل این ازدواج را چهار فرزند به نام های سلمه، عمر یا عمرو (طوسی، ۱۴۲۷ق: ۴۳ و ۴۸)، ذرّه و زینب ثبت کرده اند. (زیری، بی تا: ۳۳۷؛ مامقانی، ۱۳۵۲ق: ۳/۷۲)

ابوبکر و عمر از ام المؤمنین، ام سلمه پس از شهادت همسرش، خواستگاری کردند، ولی او به هردو پاسخ منفی داد، اما به درخواست رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه، پاسخ مثبت داد و در سال چهارم هجری به همسری آن حضرت درآمد. (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۶/۶۶)

ام سلمه از جهت اخلاق و نسب، از اشرف زنان پیامبر، بعد از خدیجه کبری علیها السلام بود. (ذهبی، ۱۴۱۲ق: ۲/۲۰۲) همراهی و همدلی ام سلمه در برخی از حوادث و غزوات، مثل مریسیع، خیبر، حدیبیه، فتح مکه و حنین تا جایی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او وعده عاقبت به خیری دادند. (واقعی، ۱۴۱۸ق: ۲/۴۶۷)

ام المؤمنین، ام سلمه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تسلیم اوامر اهل بیت آن حضرت بود و تا آخر عمر از آنان حمایت کرد. (یوسفی غروی، ۱۳۹۳ش: ۳/۴۲۷) او در اولین واقعه پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی سقیفه، به دفاع تمام عیار از حضرت زهرا علیها السلام در مقابل خلیفه اول پرداخت؛ تا آنجا که حقوق او به مدت یکسال از بیت المال قطع شد. ام سلمه از جمله افرادی بود که حضرت زهرا علیها السلام وصیت کرد تا در مراسم تشییع او حضور داشته باشد. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴-۱۳۳)

یکی از مواضع مهم ام سلمه بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، دفاع از حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل بود. با اینکه عایشه از او خواست تا همراه طلحه و زبیر علیه آن حضرت قیام کند، اما ام سلمه از قبول این پیشنهاد خودداری کرد و به نصیحت کردن عایشه پرداخت و با نقل فضائل و مناقب امام علی علیه السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او خواست تا از رفتن به بصره منصرف شود. (یوسفی غروی، ۱۳۹۳ش: ۳/۴۲۲) او همچنین در جنگ جمل دو فرزند خود را برای همراهی با امیرالمؤمنین به خدمت ایشان فرستاد. (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۲۹)

ام سلمه یکی از محدثین و راویان احادیث و معارف اسلامی است و در موضوعات مختلف به خصوص مباحث مربوط به جایگاه و منزلت اهل بیت علیهم السلام روایات فراوانی نقل کرده که تعداد روایات ایشان در کتب اهل سنت، ۳۷۸ عدد می باشد. (ذهبی، ۱۴۱۲ق: ۲/۲۱۰) روایات ام سلمه در مورد شهادت امام حسین علیه السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشی از منقولات اوست. (یوسفی غروی، ۱۳۹۳ش: ۳/۴۳۰) سرانجام این شخصیت والا مقام در اوایل خلافت یزید رحلت نمود و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (ابن اثیر، ۱۴۲۳ق: ۶/۲۹۴)

۳. همراهی با رسول خدا ﷺ

ام سلمه همیشه و در همه حال یار و یاور رسول خدا ﷺ بود و تلاش فراوانی در جلب رضایت آن حضرت در همه زمینه‌ها داشت؛ تا آنجا که حتی غذاهای مورد علاقه رسول خدا ﷺ را مهیا می‌کرد؛ به همین جهت هنگامی که آن حضرت به خانه ام سلمه می‌رفتند، او با غسل از ایشان پذیرایی می‌نمود. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۹/۶) ام سلمه از علاقه فراوان پیامبر اکرم ﷺ به حضرت خدیجه علیها السلام باخبر بود و به همین علت هرگاه آن حضرت از ایشان به خوبی یاد می‌کرد، ام سلمه نظر رسول خدا ﷺ را تأیید می‌کرد و بر حضرت خدیجه علیها السلام درود می‌فرستاد؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۳۱/۴۳) این در حالی است که برخی همسران آن حضرت به خاطر شدت حسادت به حضرت خدیجه علیها السلام از ایشان بدگویی می‌کردند. (ابن اثیر جزری، ۱۴۲۳ق: ۸۷/۶ و ۸۸)

ام سلمه اولین نفری بود که هنگام نزول آیه تخیر، بین باقی ماندن بر همسری رسول خدا ﷺ و یا طلاق گرفتن و جدایی از آن حضرت، زندگی و همراهی با ایشان را برگزید. (طباطبایی، ۱۴۲۲ق: ۳۲۱/۱۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۴۰/۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۶۴/۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ۹۹۰/۲؛ قمی، ۱۳۶۸ش: ۳۶۳/۱۰) او بعد از ازدواج با رسول خدا ﷺ برای حراست از ایشان، غلامش را به شرط خدمت‌رسانی به پیامبر اکرم ﷺ تا پایان، عمر آزاد کرد. (احمد بن حنبل، ۱۴۲۴ق: ۲۱۵/۸؛ ابن اثیر، ۱۴۲۳ق: ۲۷۷/۲)

او در بسیاری از رویدادهای سخت، همچون نبردهای مریسیع، حدیبیه، خیبر، حنین و فتح مکه، رسول خدا ﷺ را همراهی کرد و لحظه‌ای از یاری ایشان غافل نشد (واقعی، ۱۴۱۸ق: ۴۶۷/۲) و به دلیل همین حضور، در مورد شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام در مبارزه با مرحب در جنگ خیبر از او نقل شده است که شمشیر از فرق تا دندان‌های مرحب را شکافت. (قرطبی، ۱۴۱۲ق: ۱۹۳۹/۴؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱/۲۳) بنا بر نقل واقعی، ام سلمه در سخت‌ترین شرایط جنگی مانند غزوه خندق نیز در کنار آن حضرت حضور داشت و از ایشان جدا نمی‌شد و مطیع اوامر ایشان بود؛ «كنت مع رسول الله ﷺ في الخندق فلم افارقه مقامه كله» (واقعی، ۱۴۱۸ق: ۴۶۴/۲-۴۶۷) و در این راه مشقت‌های فراوانی را متحمل شد، به‌طوری که از او نقل

شده است که: «به خدا سوگند، خانواده‌ای را که در راه اسلام به اندازه خاندان ابی سلمه مصیبت دیده باشد، نمی‌شناسم». (ابن هشام حمیری، ۱۳۸۳ق: ۲/۳۲۳)

ام سلمه آرزو داشت که کاش او هم می‌توانست همانند مردان مسلمان در نبردها شرکت و از اجر معنوی آن بهره‌مند شود؛ لذا درخواست خود را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان گذاشت. در پاسخ به این مطالبه، آیه شریفه «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) نازل شد. (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۳/۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۸/۵۲۵؛ طبری، ۱۴۲۱ق: ۵/۵۸)

یکی از اقدامات ام سلمه آرامش دادن به رسول خدا صلی الله علیه و آله در مواجهه با حوادث سخت و به‌خصوص مخالفت برخی اصحاب با ایشان در موضوعات گوناگون بود. به‌عنوان نمونه آن‌حضرت پس از نوشتن صلح‌نامه حدیبیه به اصحاب خود دستور داد تا قربانی‌هایشان را ذبح کنند و سرهایشان را بتراشند. با اینکه آن‌حضرت چندین بار دستور خود را تکرار کردند، اما به‌خاطر انجام‌ندادن طواف و بقیه اعمال حج، هیچ یک از اصحاب امر ایشان را اجابت نکرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از عدم اجابت آن‌ها بسیار ناراحت و با همان حال وارد خیمه ام سلمه شدند. ام سلمه پس از اطلاع یافتن از ماجرا، به آن‌حضرت دل‌داری و آرامش داد و پیشنهاد کرد که ابتدا خودشان قربانی را انجام دهند و سرشان را بتراشند تا اصحاب به ایشان اقتدا کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به این پیشنهاد عمل کرد و اصحاب نیز به تبعیت از ایشان پرداختند. (ابن اثیر، ۱۴۲۴ق: ۲/۱۳۹؛ واقدی، ۱۴۱۸ق: ۲/۶۱۳؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/۳۱۴) این پیشنهاد ام سلمه به قدری سودمند واقع شد که جوینی از علمای اهل سنت می‌گوید: «زنی را سراغ ندارم که پیشنهادی داده باشد و پیشنهاد او مورد توجه قرار گرفته باشد، مگر ام سلمه». (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۵/۲۵۶)

او همواره ارادت خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به شکل‌های مختلف ابراز می‌نمود. بنابر نقل ابن ابی‌الحدید هنگامی که اُسرای بدر را به مدینه آوردند، دو تن از بستگان مشرک ام سلمه در غیابش و بدون اجازه وارد منزل او شدند؛ ام سلمه ماجرا را با رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان گذاشت و از ایشان در مورد پذیرایی از آن‌ها اجازه خواست؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختیار این کار را به خود او وانهاد. این اقدام ام سلمه نشان از ادب و

احترام والای او نسبت به رسول خدا ﷺ است. چرا که در آن زمان هنوز همسر ایشان نشده بود. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق: ۱۸۸/۱۴)

ام سلمه به هیچ کس اجازه نمی داد که باعث تفرقه افکنی در بیت رسول خدا ﷺ شود. او اصرار داشت تا حریم شخصی پیامبر اکرم ﷺ حفظ شود؛ در حالی که برخی زنان آن حضرت از گفتن برخی امور شخصی ایشان هیچ ابایی نداشتند. بنا بر نقلی روزی عمر نسبت به همسر خویش خشمگین شد و به او سخنان درشتی گفت. همسر وی نیز به همان شکل به او پاسخ داد. او از عمل همسرش به حیرت آمد و توقع چنین برخوردی را نداشت. همسرش گفت: «اگر بگو مگو کردم جای تعجب نیست. چرا که همسران پیامبر اکرم ﷺ نیز جواب ایشان را می دهند.» عمر نزد دخترش حفصه رفت و از او در مورد این ماجرا سؤال کرد و او نیز تصدیق کرد. بعد از آن عمر به واسطه خویشاوندی ای که با ام سلمه داشت، نزد او رفت و همان سؤال را از او پرسید. ام سلمه فرمود: «شگفتا از تو یا بن خطاب، تو را چه کار به دخالت در کار رسول خدا ﷺ و زنان او؟ به خداوند سوگند، هنگامی که با او صحبت می کنیم، اگر آن را پذیرفت از همه به آن شایسته تر است و اگر نپذیرفت و ما را نهی کرد، باز هم نزد ما اطاعتش واجب است». (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۸۹۹ و ۹۰۰؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ۶۴۶)

به نظر می رسد توجه ویژه ام المؤمنین، ام سلمه به رسول خدا ﷺ سبب شد که علاقه و محبت آن حضرت نیز نسبت به او در میان همسرانش افزون تر باشد و به همین علت طبق بیان عایشه، ام سلمه محبوب ترین زنان پیامبر اکرم ﷺ بود و نزد آن حضرت جایگاه ویژه ای داشت. (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۸۵/۶)

همچنین ایمان استوار، وثاقت و امانت داری ام سلمه به حدی بود که رسول خدا ﷺ از آنچه جبرئیل بر آن حضرت نازل می کرد، ام سلمه را با خبر می نمود (صدوق، ۱۳۷۶ش: ۳۸۱) و در مواقعی ام سلمه امین وحی را به صورت دحیه کلبی مشاهده می نمود و در حضور او وحی نازل می شد. (قشیری نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ۱۰۵۸؛ بخاری، ۱۴۲۲ق: ۹۲۱)

۴. دفاع از حضرت زهرا (علیها السلام) در ماجرای سقیفه

بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ام‌المؤمنین، ام‌سلمه همواره پشتیبان و یاور حضرت زهرا (علیها السلام) بود. او از زمانی که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ازدواج کرد تا لحظات آخر عمر کوتاه حضرت فاطمه (علیها السلام) از حمایت و یاری ایشان دست برنداشت. او به دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در شب عروسی حضرت زهرا (علیها السلام) جای خالی مادرش را برای او پر نمود. (تستری، ۱۴۰۹ق: ۵۵۳/۳۰) علاوه بر آن، ام‌سلمه در عروسی حضرت زهرا (علیها السلام) شعر خواند (انصاری زنجانی، ۱۴۲۸ق: ۳۰۶/۴) و طبخ ولیمه برای میهمانان نیز بر عهده او بود. (انصاری زنجانی، ۱۴۲۸ق: ۱۲۹/۳)

بعد از شهادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هنگامی که خلفا حق حضرت زهرا (علیها السلام) را غصب کردند و از فراز منبر آن حضرت را مورد توهین و جسارت قرار دادند، ام‌سلمه خطاب به ابوبکر گفت: «آیا این مطالب ناروا را به فاطمه (علیها السلام) نسبت می‌دهی؟ در حالی که او حوریه‌ای است در بین انسان‌ها و در دامن انبیا و بهترین مربی عالم، یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرورش یافته است! آیا گمان می‌کنید پیامبر میرانش را بر فاطمه حرام کرده است و او اطلاعی ندارد؟ در حالی که خداوند به پیامبرش دستور داده که نزدیکانش را انذار کند یا اینکه پیامبر او را انذار کرده، اما فاطمه از امر پدرش تخلف کرده و آنچه را که حق او نیست، مطالبه می‌کند، در حالی که او مادر سروران بهشت و در پاکی، عدل مریم بنت عمران است.» ابوبکر در مقابل اعتراض ام‌سلمه و دفاع او از حضرت زهرا (علیها السلام)، حقوق دریافتی او از بیت المال را به مدت یک سال قطع کرد. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴)

بنابر نقل سلیم بن قیس هنگامی که عمر به ابوبکر گفت «یا علی با ما بیعت می‌کند یا دستور بده سر از تنش جدا کنند» حسنین شروع به گریستن کردند و صدا زدند «یا جداه یا رسول الله». امیرالمؤمنین آنان را به آغوش گرفت و کسی که در این حال برای حمایت از امیرالمؤمنین به پا خاست، یکی ام‌ایمن، حاضنه رسول خدا و دیگری ام‌سلمه، همسر پیامبر خدا بود که وارد مسجد شدند و گفتند: «ای عمر! چه زود حسادت خود را به آل محمد (صلی الله علیه و آله) ظاهر کردیدی؟» اینجا عمر دستور داد تا آن دو نفر را

از مسجد بیرون کنند و صدا زد: «زنان با ما چه کار دارند؟!» (سلیم، ۱۴۲۸ق: ۸۶۷/۲)

ام سلمه در ایام بیماری حضرت زهرا علیها السلام و روزهایی که مردم مدینه همسرش امام علی علیه السلام را تنها گذاشته بودند، به عیادت ایشان رفت و جویای حالشان شد. حضرت در پاسخ به احوالپرسی او فرمودند: «خود را بین دو گرفتاری می بینم؛ فراق پدر و مظلومیت همسر؛ ولایتی را که طبق نص قرآن و دستورات الهی به علی علیه السلام محول شده بود را غصب کردند و علت غصب، چیزی جز کینه هایی که از او در دل ها داشتند، نیست. کینه هایی که در جنگ بدر و احد در قلب های سیاهشان پنهان شده بود.» (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۷ق: ۲۳۴/۲؛ دیلمی، ۱۴۲۷ق: ۳۱۹)

بنا بر وصیتی که حضرت زهرا علیها السلام به امام علی علیه السلام کردند، ام سلمه در مراسم دفن آن حضرت حضور داشت و از محل دفن ایشان آگاه بود. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴-۱۳۳)

۵. همراهی و اطاعت از حضرت علی علیه السلام

یکی از صفات منحصر به فرد ام سلمه، همراهی و حمایت دائمی او از حضرت علی علیه السلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. ایشان از معدود افرادی است که با ابوبکر، عمر و عثمان مخالفت کرد و در حوادث گوناگون، مطالبی را خطاب به آنها بیان کرد. ام سلمه در سقیفه بعد از اینکه عمر، خلیفه اول را به خاطر بی توجهی اش نسبت به بیعت با امام علی علیه السلام سرزنش می کند و تصمیم به قتل امام می گیرد، وارد میدان شده و خطاب به آن دو می گوید: «ای عتیق! چه زود حسادت و کینه خود را به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار ساختید.» عمر دستور داد تا ام سلمه را از مسجد بیرون کنند. (سلیم، ۱۴۲۸ق: ۸۶۵/۲-۸۶۷)

یکی دیگر از اقدامات ام سلمه در حمایت از امام علی علیه السلام، جنگ جمل بود. ام سلمه زمانی که در مکه حضور داشت، طلحه و زبیر برای تقویت جبهه خود، سعی در راضی نمودن و همراهی کردن او داشتند؛ لذا برای او قاصدی فرستاده و درخواست کردند تا او نیز همچون عایشه در میدان جنگ حضور پیدا کند. ام سلمه در پاسخ به آنان گفت: «آیا از من می خواهید با علی علیه السلام که زحمات فراوانی برای اسلام کشیده و برازنده ترین شخصیت برای خلافت و رهبری جامعه است، وارد

جنگ شوم؟» پس از ناامید شدن طلحه و زبیر از امسلمه، عایشه به دیدار او رفت تا شاید بتواند او را متقاعد کند. امسلمه درخواست عایشه را نیز رد کرد و با یادآوری فضائل و مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) تلاش کرد تا عایشه را از ورود به آن معرکه بازدارد؛ اما عایشه با ناکثین همراه شد. عبدالله بن زبیر که پشت در ایستاده بود و مکالمه بین آن دو را استماع می‌کرد، فریاد زد: «ای امسلمه! احادیثی را که از علی (علیه السلام) بیان کردی، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشنیده‌ایم.» امسلمه گفت: «از خاله‌ات که آن‌ها را شنیده، سؤال کن تا برایت بازگو کند.» (ابن اثم، ۱۴۰۶ق: ۴۵۶/۱)

امسلمه بعد از ناامیدی از عایشه به انصار و مهاجرین رو کرده و آن‌ها را بابت شورش علیه امام علی (علیه السلام) برحذر داشت و از آن‌ها خواست تا تقوی الهی را رعایت کنند. در پی سخنان او، بسیاری از انصار و مهاجرین، از طلحه و زبیر رویگردان شدند و از جنگ با علی (علیه السلام) صرف نظر نمودند. (مفید، ۱۴۳۱ق: ۲۳۸۲۳۳/۱)

امسلمه بعد از این که نتوانست عایشه را متقاعد کند، حضرت علی (علیه السلام) را از نیت اصحاب جمل آگاه کرد و دو تن از فرزند خود، عمرو و سلمه را به یاری آن حضرت در مقابل ناکثین روانه کرده و به آن دو توصیه کرد که هرگز از علی (علیه السلام) جدا نشوند؛ چراکه بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کسی را جز او به عنوان امام قبول ندارد. (بلاذری، ۱۴۲۴ق: ۶۳/۲) او در ضمن نامه‌ای به امام، فرزندان را فدایی آن حضرت دانست. (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۱۹/۲)

هنگامی که امسلمه در مکه بود، خطاب به مردم فرمود: «شما را به تقوای الهی دعوت می‌کنم و این که اگر از علی (علیه السلام) پیروی کنید، بدان راضی می‌شوید. به خدا قسم، در این زمانه بهتر از او را نمی‌شناسم.» (بلاذری، ۱۴۲۴ق: ۲۳/۳)

یکی از اقدامات امسلمه در دفاع از امام علی (علیه السلام) حضور در خانه حفصه و جلوگیری از خواندن اشعار ضد آن حضرت بود. (مفید، ۱۴۲۴ق: ۳۸۷/۱؛ مدنی، ۱۴۲۰ق: ۳۲) امسلمه بعد از نبرد جمل، جهت نشان دادن خشم و ناراحتی خود از عایشه، بیش از ۲۰ سال با او صحبت نکرد و حتی به جای آوردن نامش از لفظ دیوار استفاده می‌کرد. (بیهقی، بی تا: ۱۳۷/۱)

در ماجرای ترور و کشتاری که توسط معاویه برای تضعیف حکومت امام علی علیه السلام انجام می شد، بسر بن ارطاه در مکه و مدینه به دنبال اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله از جمله جابر بن عبدالله بود. ام سلمه جابر را به خانه خود پناه داد و از او خواست تا با بیعت آن ها جان خود را حفظ کند. (ابن اثیر جزری، ۱۴۲۴ق: ۱۹۲/۳؛ طبری، ۱۴۲۳ق: ۵۹/۶ و ۶۰)

ام المؤمنین، ام سلمه در راستای اقدامات خود در دفاع از علی علیه السلام با بیان احادیث نبوی دیگران را به همراهی با آن حضرت تشویق می نمود.

شداد بن اوس از جمله کسانی است که در نبرد جمل حاضر بود، ولی نه با امام علی علیه السلام بود و نه علیه آن حضرت. نیمه های ظهر خداوند به دلش انداخت تا به حضرت علی علیه السلام پیوندد. شداد بعد از جنگ سراغ ام سلمه رفت و جریان را با او در میان گذاشت. ام سلمه ضمن تشویق و تحسین عمل او فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: هر کس که با علی علیه السلام بجنگد، با من جنگ کرده و جنگ با من، جنگ با خداوند است». (بحرانی، ۱۳۷۸ق: ۲۸۶ و ۲۸۷)

بنابر نقل کلینی و فیض کاشانی، زنی به نام حسره به دنبال ادا کردن حق اهل بیت: بود، ولی دو نفر از معاندان مانع او شده و حق آنان را فقط در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانستند. ام سلمه پس از اطلاع از این واقعه برای راهنمایی او گفت: آن دو دروغ گفته اند و حقوق اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا ابد بر گردن مسلمانان می باشد. پس بکوش تا حق آنان را ادا نمایی! (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۶/۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۲۰۹/۲)

او به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسن بصری که از مخالفان امام علی علیه السلام بود، گفت: «ای علی! هر که ولایت تو را انکار کند، روز قیامت در حال بت پرستی، خدا را زیارت می کند.» حسن بصری پس از شنیدن این روایت از ام سلمه، شروع به تکبیر گفتن نمود. (صدوق، ۱۳۷۶ق: ۳۱۵ و ۳۱۶)

۶. مقابله با سب و لعن حضرت علی علیه السلام

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دشمنان امام علی علیه السلام برای وادار کردن مردم به فراموش کردن فضائل و مناقب آن حضرت، سب ایشان را در دستور کار قرار دادند. یکی از

اقدامات امسلمه در این زمان نقل فضائل و مناقب امام علی علیه السلام بود که مانع از سب و لعن آن حضرت شود. بنابر نقلی معاویه بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام بر فراز منبر رفته و حضرت علی علیه السلام را لعن کرد و به کارگزارانش نیز دستور داد تا آن حضرت را در منابر خود لعن کنند. هنگامی که امسلمه از ماجرا آگاه شد، به معاویه نامه نوشت و به او اعتراض کرد و گفت: «شما در منبرهایتان خدا و رسولش را لعن می کنید و این به خاطر آن است که علی علیه السلام و محبانش را لعن می کنید و من شهادت می دهم که خدا و رسولش، علی علیه السلام را دوست داشتند.» معاویه به نامه او ترتیب اثر نداد. (ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۳۴۷/۴؛ امینی، ۱۳۹۷ق: ۱۰۲/۲)

امسلمه همچنین هنگامی که مطلع شد یکی از خدمتکارانش حضرت علی علیه السلام را مورد اهانت قرار می دهد، او را احضار و سرزنش کرد و حدیثی از فضائل امام علی علیه السلام برای او بیان کرد. غلام با شنیدن روایت از امسلمه تشکر کرد و از سب و لعن علی علیه السلام پشیمان شد. (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۲۵)

حاکم نیشابوری به نقل از ابواسحاق تمیمی می نویسد: از ابو عبدالله جدلی شنیدم که می گفت: «خردسال بودم که عازم حج بیت الله گردیدم. در مدینه به گروهی از مردم برخورد کردم و همراه آنان حرکت کردم تا این که به خانه امسلمه، همسر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدیم. پس از آن که حضار نشستند از امسلمه شنیدم که صدا زد: ای شبيب بن ربعی! مردی که آثار خشم و غضب از چهره او آشکار بود، پاسخ داد: چه می فرمایی ای مادر! امسلمه فرمود: آیا معمول بین شماست که هرگاه مجلسی منعقد می سازید، رسول خدا صلی الله علیه و آله را سب می کنید و به آن حضرت ناسزا می گوید؟ او پاسخ داد: هرگز چنین نیست. امسلمه گفت: آیا در مجلس تان از علی نکوهش می کنید؟ شبيب پاسخ داد: برای این که به مال دنیا برسیم در پاره ای از امور از او بدگویی می کنیم. امسلمه گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: کسی که به علی ناسزا بگوید، به من ناسزا گفته است و کسی که مرا سب کند، خدا را سب کرده است». (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۳۰/۳)

۷. تبیین جایگاه و نقل فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام

یکی از اقدامات منحصر به فرد ام سلمه در تمام عمر، بیان جایگاه و فضائل اهل بیت علیهم السلام می باشد که در ادامه به برخی از مصادیق و شرح آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱-۷. فضائل و مناقب عمومی اهل بیت علیهم السلام

با بررسی منقولات ام سلمه در بیان فضائل و مناقب عمومی اهل بیت علیهم السلام روشن می گردد که ایشان به نقل آیه تطهیر و واقعه کسا پرداخته است. بنابر این نقل، آیه تطهیر در منزل ام سلمه نازل شده است؛ هنگام نزول آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را زیر کساء خود گرفته است. ام سلمه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال می کند که آیا او هم جزء اهل بیت است؟ آن حضرت در پاسخ می فرماید: «تو از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی و عاقبت به خیر می شوی». (طبری، ۱۴۲۱ق: ۱۲/۲۲؛ امینی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۰/۶؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۹۳-۳۹۶/۲۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۴۰۳/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۲۷۸/۱؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۶۸)

همچنین از ام سلمه نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «همراه اهل بیت باشید؛ اگر با کسی جنگیدند، شما هم با آن‌ها بجنگید و اگر با کسی دوستی کردند، شما هم با آن‌ها دوست باشید. به درستی که حق با آن‌هاست، هر جا که باشند.» از ام سلمه سؤال کردند که مراد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از «اهل بیت» چه کسانی هستند؟ ایشان فرمود: «آن‌ها امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند که بنابر نقل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعداد آنان به تعداد نقباء بنی اسرائیل می باشد؛ علی بن ابی طالب و دو فرزندش و ۹ نفر از فرزندان حسین علیه السلام. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۶/۳۶)

۲-۷. امام علی علیه السلام

یکی از اقدامات ام سلمه نقل فضائل امام علی علیه السلام در دورانی است که کسی جرأت نداشت به بیان مناقب آن حضرت بپردازد. در ادامه به برخی از فضائل بیان شده توسط ایشان به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره خواهد شد.

۱. «دوست نمی‌دارد علی را مگر مؤمن و دشمن نمی‌دارد او را مگر منافق».
(دیلمی، ۱۴۲۷ق: ۱۹۰؛ طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۷۵/۲۳؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۲۱۶)
۲. «یا علی! نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی است؛ غیر از این که بعد از من پیامبری نخواهد بود».
(طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۷۷/۲۳؛ ابن بابویه، ۱۹۶۶م: ۶۶/۱)
۳. «بعد از من حق با علی است و هر جا که او باشد حق همانجاست».
(اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۰۸/۱)
۴. «دروغگوست کسی که گمان کند مرا دوست دارد در حالی که نسبت به علی بغض و کینه دارد».
(ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۴۳۷/۱)
۵. «علی با قرآن است و قرآن با علی و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض بر من وارد شوند».
(علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۶؛ عاملی، ۱۳۸۴ق: ۲۷۵/۱)
۶. «علی از من است و من از علی؛ گوشت و خون او از گوشت و خون من است».
(طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۰)
۷. «هر کس که من مولای او هستم، زین پس علی مولا و سرور اوست. خدایا، دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن گرفته و یاری نما هر که علی را یاری کرده و ذلیل کن هر که علی را تحقیر کرده است!».
(مفید، ۱۴۱۳ق: ۷۹)
۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند دستور دادند درب همه خانه‌ها به جز درب خانه امام علی علیه السلام به مسجد النبی بسته شود. (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۷ق: ۲۱۶/۲) در نقلی دیگر در توضیح این روایت از ام سلمه نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای هیچ شخصی، سزاوار نیست وارد مسجد شود، در حالی که جنب است، الا من و علی».
(طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۷۳/۲۳)
۹. ام سلمه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید: «یا رسول الله به درستی هلاک خواهند شد کسانی که در دل‌هایشان بغض علی علیه السلام را دارند؛ کسانی که ولایت او را رها کرده‌اند، کسانی که منکر فضائل او شدند».
(عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳ش: ۶۱)
۱۰. «علی علیه السلام بر حق بود و هر کس او را تبعیت کند، حق را تبعیت کرده است و

هر کس او را رها کند، حق را رها کرده است». (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۳۰/۲۳؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۲۰۷/۱)

۱۱. «هر که علی علیه السلام را دوست داشته باشد، قطعاً مرا دوست می‌دارد و هر که مرا دوست داشته باشد، به تحقیق خدا را دوست داشته است و هر که علی علیه السلام را دشمن بدارد، قطعاً مرا دشمن داشته و هر که مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است». (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۸۰/۲۳)

۱۲. «نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام بود». (طبرانی، ۱۴۲۲ق: ۳۷۵/۲۳)

۱۳. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را فرا خواندند و با ایشان به‌طور خصوصی مشغول صحبت شدند، از حضرت علی علیه السلام در مورد آن گفت‌وگو سؤال شد. ایشان فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب علم به من تعلیم دادند که از هر باب آن هزار باب گشوده شده است». (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۸۲/۱)

۱۴. «علی و شیعیانش رستگارند». (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۱/۱)

۱۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «دشمن نمی‌دارد تو را مگر سه نفر؛ ولد الزنا، منافق و کسی که مادرش او را در حال حیض باردار شده است». (ابن بابویه، ۱۹۶۶م: ۱۴۲/۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۱۹/۲)

۱۶. «هیچ انس و جنی وارد بهشت نمی‌شود، مگر به حبّ و دوست داشتن علی علیه السلام؛ دوست نمی‌دارد او را، مگر شخص مؤمن متقی و زن عفیفه و با حیا، و دشمن نمی‌دارد او را، مگر شخص ستمگر و زنی سلقلیه». (دیلمی، ۱۴۲۷ق: ۳۶۶ و ۳۶۷)

۱۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله ام سلمه را بر وصایت و جانشینی امام علی علیه السلام شاهد می‌گیرد و می‌فرماید: «ای ام سلمه! بشنو و شاهد باش که این علی بن ابی طالب برادرم در دنیا و آخرت است؛ بشنو و شاهد باش که این علی بن ابی طالب است وزیرم در دنیا و آخرت؛ بشنو و شاهد باش این علی علیه السلام است که در دنیا و آخرت پرچمدار من است». سپس امام علی علیه السلام را قاتل ناکثین و قاسطین و مارقین قلمداد می‌کند و نشانه‌های آن‌ها را برایش ذکر می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۱/۲۲؛ صدوق، ۱۳۷۶ش: ۳۸۱)

۳-۷. حضرت زهرا علیها السلام

معرفت ام سلمه نسبت به خاندان وحی باعث شد تا یکی از اقدامات او تبیین جایگاه و نقل فضائل و مناقب حضرت زهرا علیها السلام باشد. بنابر نقل ام سلمه «حضرت فاطمه علیها السلام همواره به خود در میان زنان افتخار می کرد؛ چرا که او اولین کسی است که جبرئیل خطبه ازدواجش را خوانده است (انصاری زنجان، ۱۴۲۸ق: ۳/۲۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۳/۱۰۸) و شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر وجاهت و چهره بود.» (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۷۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۳/۵۵)

بنابر نقلی ام سلمه می گوید: «مراقبت و سرپرستی فاطمه علیها السلام به من سپرده شد، در حالی که او با ادب تر از من بود و نیازی به پرورش و تربیت من نداشت.» (محلّاتی، ۱۳۶۴ق: ۲/۲۹۴؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۳/۱۰۴)

۴-۷. امام حسن و امام حسین علیهما السلام

یکی از اقدامات ام سلمه نسبت به اهل بیت علیهم السلام نقل فضائل و مناقب امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بود. برخی فضایل نقل شده از ایشان در روایات اختصاصی آمده است و برخی در روایات عمومی. ام سلمه به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام علاقه فراوان داشت (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۳/۱۱۳) و از زمان به دنیا آمدن آن دو کفالت و سرپرستی آن ها را برعهده داشت. (انصاری زنجان، ۱۴۲۸ق: ۵/۲۴۳) این علاقه تا جایی بود که آن دو ام سلمه را مادر خطاب می کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۷/۸۹)

بنابر نقل ام سلمه روزی حسنین علیهما السلام به منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر علاقه بسیاری که به آن دو داشت، یکی را روی زانوی چپ و دیگری را روی زانوی راست نشاند و گاهی حسن علیه السلام و گاهی حسین علیه السلام را مورد نوازش قرار می داد و آن ها را نور چشمان خود خطاب می کرد. (ابن شاذان قمی، ۱۴۲۳ق: ۶۹)

بنا بر نقل ام سلمه روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام را فراخواند. شب هنگام حسن علیه السلام را روی سینه و حسین علیه السلام را روی دستان خود خوابانید. مقداری از شب گذشته بود که حسین علیه السلام از دستان ایشان جدا شده بود. آمدم او را بگیرم که رسول خدا صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را گرفت. عرض کردم: گمان کردم که

شما خواب هستید.» آن حضرت فرمودند: «خیر» رسول خدا ﷺ مقداری نشستند و به فرزندانشان نگاه کردند و فرمودند: «خدوندا، اینان اهل بیت و عترت من هستند و من آنها را دوست دارم. تو هم آنان را دوست بدار!». (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۳/۸۵ و ۸۶)

رابطه ام سلمه و امام حسین علیه السلام تا آنجا بود که آن حضرت در جواب اصرارهای ام سلمه برای حرکت نکردن به سمت عراق فرمود: «مادرم، به خدا قسم از این جریان آگاه هستم و مطمئن هستم که در این راه کشته خواهم شد و اگر بخواهید محل شهادت و قتلگاه خود را به شما نشان خواهم داد.» امام با اشاره به کربلا، محل دفن خود را به ایشان نشان دادند. ام سلمه با دیدن این صحنه‌ها بسیار محزون گشت. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹/۲۷؛ یعقوبی، بی تا: ۲۴۵ و ۲۴۶)

بنا بر نقل عبدالله بن عباس، ام سلمه اولین کسی بود که صدای ناله‌اش در شهادت امام حسین علیه السلام بلند شد. وقتی ابن عباس از علت فریادها و گریه‌هایش سؤال کرد، گفت: «آقای شما، سرور جوانان بهشت را کشتند.» وقتی دلیل این ادعای او را خواستم، گفت: «در خواب دیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آشفته، محزون و خاک‌آلود است. از ایشان پرسیدم این چه حالتی است که شما را می‌بینم؟ فرمودند: «حسین علیه السلام و اهل بیت او را کشتند و من مشغول دفن ایشان بودم.» ام سلمه می‌گوید: «به سوی تربتی که رسول خدا از محل دفن حسین علیه السلام به من داده بود، نظاره کردم و دیدم که تبدیل به خون شده و خون تازه‌ای از آن می‌جوشد». (مفید، ۱۴۳۱ق: ۱۳/۳۱۹)

از جمله فضایل نقل شده از امام حسن و امام حسین علیه السلام که در روایات عمومی آمده، حدیثی موجود است که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هنگامی که به آسمان‌ها سیر داده شدم، دیدم که روی عرش نوشته شده: لا إله إلا الله محمد رسول الله، او را به سبب علی بن ابی طالب یاری کردم و دیدم انواری را و آنها نور علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و نور حجت خدا را که می‌درخشید در بین آن نورها، همانند ستاره‌ای تابناک؛ پس گفتم: خداوندا، این کیست و آنها چه کسانی می‌باشند؟!» پس به من ندا داده شد: «ای محمد، این نور علی و فاطمه و این نور دو فرزندان حسن و حسین و این

انوار امامان بعد از تو از فرزندان حسین تو می‌باشد که پاک و منزّه‌اند و این حجتی است که زمین را پر از عدل و قسط می‌کند». (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۰ش: ۵۵۹ و ۵۶۰)

۸. نگهداری از ودایع امامت

یکی از اقدامات امسلمه نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام نگهداری و حفاظت از ودایع امامت است. بنابر نقل امسلمه، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوشته‌ای به او دادند و از او خواستند هر کس آن را از تو طلب کرد، به او تحویل بده، چون جانشینی من متعلق به اوست. هنگامی که ابوبکر، عمر و عثمان به خلافت رسیدند آن را از امسلمه درخواست نکردند، اما پس از بیعت مردم با امام علی علیه‌السلام آن حضرت نوشته را از امسلمه طلب کرد و امسلمه نیز آن را به ایشان تحویل داد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۳۷/۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۱/۱)

بنابر نقل امام صادق علیه‌السلام برخی کتب نزد امام علی علیه‌السلام بود، اما هنگامی که به سوی کوفه راهی شد، آن‌ها را به امسلمه سپرد. امسلمه پس از شهادت امام علی علیه‌السلام آن‌ها را به امام حسن علیه‌السلام تحویل داد و پس از ایشان دست‌به‌دست شد تا به امام باقر علیه‌السلام رسید. (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۶۲/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۹۸-۳۰۴)

امام حسین علیه‌السلام هنگامی که آهنگ عراق کرد، به دلیل شخصیت والا و درستی و وثاقت امسلمه، وصیت‌نامه، کتاب‌های علم امیرالمؤمنین، ذخایر نبوت و خصائص امامت را به او سپرد و از ایشان خواست هنگامی که فرزند بزرگ‌ترشان به مدینه بازگشت به او تحویل بدهد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۰۴/۱)

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی اقدامات امسلمه هم در زمان حیات و هم پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مانند ماجرای سقیفه، جنگ جمل و واقعه عاشورا همواره مواضع و اقدامات مثبتی نسبت به اهل بیت آن حضرت داشته است. شخصیتی همچون امسلمه برخلاف برخی همسران آن حضرت، ایشان را یاری می‌نمود و همواره حامی ایشان بود. او در برابر خلفا که حق اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ضایع نموده بودند، سکوت نکرد و به دفاع از اهل بیت علیهم‌السلام پرداخت و خلفا را توبیخ کرد؛ هرچند به ضرر او تمام شد. ام

سلمه در برهه‌ای از تاریخ که بسیاری به‌خاطر ترس از جان خود، از بازگو کردن فضائل و مناقب اهل بیت پرهیز می‌نمودند، بی‌واهمه به نقل مناقبی که از رسول خدا ﷺ در مورد اهل بیت علیهم‌السلام شنیده بود، می‌پرداخت.



فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عزالدین بن هبه الله، (۱۳۸۷ق)، شرح نهج البلاغه، بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیه، دوم.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن عبدالواحد، (۱۴۲۳ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۳. _____، (۱۴۲۴ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالفکر، دوم.
۴. ابن اعثم، احمد بن اعثم، (۱۴۰۶ق)، کتاب الفتوح، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، خصال، قم: جامعه مدرسین.
۶. _____، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه، دوم.
۷. _____، (۱۹۶۶م)، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
۸. ابن بطریق، یحیی بن حسن، (۱۴۰۷ق)، عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم: موسسه نشر اسلامی.
۹. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین، (۱۴۲۱ق)، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۱۰. _____، (بی‌تا)، فتح الباری، بیروت: دارالمعرفه، دوم.
۱۱. ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۴۰۹ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۴ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالفکر.
۱۳. ابن شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، (۱۴۲۳ق)، الروضه فی فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، قم: مکتبه الأئمة.
۱۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۴۲۷ق)، مناقب آل ابی طالب، قم: ذوی القربی، دوم.
۱۵. ابن عبدربه، احمد بن محمد، (۲۰۰۱م)، عقد الفرید، بیروت: دار صادر.
۱۶. ابن هشام حمیری، عبدالملک بن هشام، (۱۳۸۳ق) السیره النبویه، مصر: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده.
۱۷. احمد حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۲۴ق)، مسند احمد بن حنبل، بیجا: دارالفکر، سوم.
۱۸. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمة، تبریز: بنی هاشمی.
۱۹. امینی، عبدالحسین، (۱۳۹۷ق)، موسوعه الغدیر، بیروت: دارالکتب العربیه، چهارم.
۲۰. انصاری زنجانی، اسماعیل، (۱۴۲۸ق)، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهرا س، قم: دلیل ما.
۲۱. بحرانی، سید هاشم، (۱۳۷۸ق)، الانصاف فی النص علی الائمة الاثنی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوم.
۲۲. _____، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثه.

۲۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق)، صحیح بخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۲۴ق)، جمل من انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
۲۵. بیهقی، ابراهیم بن محمد، (بی‌تا)، المحاسن و المساوی، بیجا.
۲۶. تستری، محمدتقی، (۱۴۲۵ش)، قاموس الرجال، قم: موسسه نشر اسلامی، دوم.
۲۷. تستری، قاضی نور الله، (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ش)، تسنیم، قم: اسراء.
۲۹. حاکم نیشابوری، أبو عبدالله محمد بن عبدالله، (۱۴۲۲ق)، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، دوم.
۳۰. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چهارم.
۳۱. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۲۷ق)، غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب ابی‌الائمہ الطهار علیهم‌السلام، قم: دلیل ما.
۳۲. ذهبی، شمس الدین، (۱۴۱۲ق)، سیر اعلام النبلاء، بیروت: موسسه الرساله، هشتم.
۳۳. زبیری، مصعب بن عبدالله، (بی‌تا)، نسب قریش، قاهره: دارالمعارف، سوم.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳۵. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۰ش)، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، تهران: دهقان، سوم.
۳۶. _____، _____، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت.
۳۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش)، مالی، تهران: کتابچی، ششم.
۳۸. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، دوم.
۳۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۲۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۴۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۲۲ق)، المعجم الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۴۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامه، قم: موسسه البعثه.
۴۳. _____، _____، (۱۴۲۱ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. _____، _____، (۱۴۲۳ق)، تاریخ الطبری، بیروت: دارالفکر، دوم.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۷ق)، رجال طوسی، قم: نشر رضوی، سوم.

۴۶. _____، _____ (۱۴۱۴ق)، مالی، قم: دارالثقافه.
۴۷. عاملی، محمد بن علی، (۱۳۸۴ق)، الطراط المستقیم الی مستحقى التقدیم، نجف: المکتبه الحیدریه.
۴۸. عده‌ای از علماء، (۱۳۶۳ش)، اصول سته عشر، قم: دارالشبستری للمطبوعات.
۴۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ق)، کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: وزارت ارشاد.
۵۰. فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۵۱. _____، _____ (۱۴۱۸ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز النشر التابع.
۵۲. قرطبی، یوسف بن عبد البر، (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، بیروت: دارالجبیل.
۵۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۴۲۰ق)، صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، سوم.
۵۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۵۷. مامقانی، عبدالله، (۱۳۵۲ق)، تنقیح المقال، نجف الاشرف: مطبعه الرضویه.
۵۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت: موسسه الوفا، دوم.
۵۹. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۴ق)، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۶۰. مدنی، ضامن بن شدقم، (۱۴۲۰ق)، وقعه الجمل، قم: نشر محمد.
۶۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۳۱ق)، موسوعه شیخ مفید، قم: الهدی.
۶۲. _____، _____ (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
۶۳. _____، _____ (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
۶۴. واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۱۸ق)، کتاب المغازی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۵. هلالی کوفی، سلیم بن قیس، (۱۴۲۸ق)، کتاب سلیم بن قیس هلالی، قم: دلیل ما، پنجم.
۶۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
۶۷. یوسفی غروی، محمد هادی، (۱۳۹۳ش)، دائره المعارف صحابه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ایران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، دوم.